

بررسی ساختار معنایی جمله در زبانشناسی روسی*

سیدحسن زهرایی

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۲/۱۱/۱۱

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۲/۲۳

چکیده

امروزه زبان‌شناسان روس بیش از گذشته توجه خود را به ساختار معنایی جمله معطوف کرده و بر پایه دیدگاه‌های نظری متفاوت، معنا و مفهوم جمله را بررسی و توصیف می‌کنند. از میان دیدگاه‌های مختلف در این زمینه، می‌توان دو دیدگاه را، به عنوان مهمترین روش‌های بررسی ساختار معنایی جمله، از دیگر دیدگاه‌ها متمایز نمود. نخست ساختار معنایی جملات با توجه به ساختار صوری آن‌ها بررسی می‌شوند. تعیین و ترسیم «الگوی ساختاری جمله»، با هدف تعیین ساختار معنایی آن در دستور کار قرار می‌گیرد. سپس زبان‌شناسان ساختار معنایی جملات را بدون توجه به ساختار صوری آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهند. تعیین «مؤلفه‌های معنایی جمله» مهمترین وسیله برای تعیین ساختار معنایی جمله در نظر گرفته می‌شود. مؤلفه‌های معنایی عینی و ذهنی به عنوان اجزای معنایی الزامی جملات شناخته می‌شوند؛ در این مقاله به بررسی دو دیدگاه فوق در زبانشناسی معاصر روسی می‌پردازد. واژه‌های کلیدی: الگوی ساختاری کمینه، نحو معنایی، مؤلفه معنایی، مؤلفه معنایی عینی، مؤلفه معنایی ذهنی.

* این مقاله حاصل طرحی پژوهشی به شماره ۶۱۰۵۰۰۳/۱/۳ با عنوان «بررسی معانی مفعولی در جملات روسی» است که با اعتبارات دانشگاه تهران انجام پذیرفته است.

مقدمه

زبان‌شناسان قرن نوزدهم، در مطالعات خود، جمله و دیگر واحدهای نحوی (синтаксические единицы) را بیشتر به لحاظ جنبه‌ی صوری آن‌ها مورد توجه قرار می‌دادند و درباره‌ی جنبه‌های معنایی جمله، تنها به آن دسته از واحدهای معنایی جمله که بطور مستقیم با صورت و ویژگی‌های دستوری (грамматические категории) آن مرتبط بودند، می‌پرداختند. آروتیونووا معناشناس برجسته‌ی روس، در ارتباط با آنچه که وی «موضوع سستی علم نحو» برمی‌شمارد، چنین اظهار نظر می‌کند: «علم نحو به عنوان بخشی از دستور زبان، سعی داشت تا از چارچوب ویژگی‌های دستوری خارج نشود» (آروتیونووا، ۱۹۷۶، ص ۵).

در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، زبان‌شناسان و نحویان مطالعه و بررسی بر روی ساختار معنایی جملات را به صورت تخصصی و عمیق‌تر آغاز کردند. در این زمان، علم نحو به لحاظ روش و نحوه‌ی برخورد با موضوع، به مانند علم واژه‌شناسی که به بررسی معنای لغوی کلمه می‌پرداخت، رفتار نموده و مفهوم و معنای جمله را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. «معنای لغوی» و «نحو معنایی» (семантический синтаксис) که موضوعات مورد مطالعه‌ی دو حوزه‌ی مختلف زبان‌شناسی، یعنی واژه‌شناسی و نحو، به یکدیگر نزدیک شده و بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند. در ارتباط با هر دو موضوع، معانی دستوری و معانی غیردستوری (معانی لغوی) از یکدیگر متمایز می‌شوند.

آنچه که بیش از همه باعث نزدیک شدن دو علم واژه‌شناسی و نحو به یکدیگر می‌شود، برداشت و تحلیل بنیادی زبان‌شناسان به صورت یکسان از ماهیت دو عنصر زبانی، یعنی «واژه» و «جمله» است. این زبان‌شناسان «واژه» و «جمله» را عناصر زبانی برمی‌شمارند که برای «نامیدن» استفاده می‌شوند، به همین دلیل، این دو عنصر را «واحدهای نامشی» (номинативные единицы) می‌نامند. البته از دیدگاه آن‌ها، جمله عنصری زبانی است که برای نامیدن «واقع» یا «موقعیت» به کار می‌رود و بر همین اساس است که، جمله تحت عنوان «نشانه‌ی کامل» (полный знак) معرفی می‌شود. از سوی دیگر، زبان‌شناسان واژه را به عنوان «نشانه‌ی جزئی» (частичный знак) در نظر می‌گیرند که در ارتباط با وقایع و موقعیت‌ها می‌تواند فقط درون جملات مطرح شود.

امروزه زبان شناسان مختلف روس با دیدگاه‌های گوناگونی، معنای جمله را مورد بررسی و توصیف قرار می‌دهند. مقاله حاضر به بررسی دو دیدگاه عمده که بیش از همه در زبان شناسی روسی مطرح است، می‌پردازد. یک دیدگاه مربوط به زبان شناسانی است که با استناد به جنبه‌های صوری زبان، مفهوم و معنای جمله را بر پایه «الگوی ساختاری» (структурная схема) جمله مورد بررسی قرار می‌دهند. بر اساس دیدگاه دیگر، مفهوم و معنای جمله، بدون در نظر گرفتن جنبه‌های صوری زبان و فقط بر پایه توصیف «مؤلفه‌های معنایی» (смысловые компоненты) که ساختار جمله را تشکیل می‌دهند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع، دو دیدگاه فوق به طور اصولی نماینده بسیاری از دیدگاه‌های نظری است که امروزه در بررسی معنای جمله در زبان شناسی روسی مطرح‌اند.

بررسی معنای جمله بر پایه «الگوی ساختاری»

زبان شناسانی که بر پایه «الگوی ساختاری»، معنای جملات را بررسی می‌کنند، در مبانی نظری خود تا حد زیادی، صورت جملات را مورد توجه قرار می‌دهند. این زبانشناسان در بررسی‌های معنایی خود، به اصطلاح از صورت به معنا می‌رسند. شودووا زبانشناس برجسته روس که در مطالعات معنایی صاحب دیدگاه فوق است، معتقد است که به هنگام تقسیم‌بندی جملات بر پایه ساختار معنایی آن‌ها، باید به خصوصیات دستوری جملات توجه نمود. به عقیده وی، هر جمله، دارای الگوی ساختاری مشخصی است که بر پایه آن، جمله مورد نظر شکل می‌گیرد. این الگوهای ساختاری، ساختار معنایی جملات را تبیین می‌کنند (شودووا، ۱۹۷۳، ص ۴۵۸). الگوهای ساختاری دارای دو وجه‌اند: ۱. «ساختار Ребёнок веселится. به عنوان مثال، جملات. ۲. «معنای زبانی». به عنوان مثال، جملات. «Поезд идёт. و (قطار می‌رود). دارای الگوی ساختاری یکسان با شکل ظاهری $N_1 + V_f$ اند. در این الگوی ساختاری، N_1 نشانگر «اسم در حالت اول» و V_f نشانگر «شکل صرفی فعل» اند. معنای زبانی‌ای که این نوع الگوی ساختاری در زبان روسی بیان می‌کنند، عبارتست از: «انجام عمل یا روی دادن حالتی از سوی کسی یا چیزی». الگوهای ساختاری مختلف به موجب معانی زبانی خود، بارهای معنایی متفاوتی را به

جملات متقل می‌کنند. به عنوان مثال، الگوی ساختاری $V_{S3/n}$ بار معنایی «غیر ارادی بودن انجام گرفتن عمل یا روی دادن حالت» را به جمله می‌افزاید. $V_{S3/n}$ در این الگوی ساختاری، نشانگر «صیغه سوم شخص مفرد یا شکل ختثای فعل» است:

Ему нездоровится. او حالش خوب نیست.

الگوی ساختاری $N_3+Cop+Inf$ دارای بار معنایی «عدم توانایی نهاد در انجام کاری» است. در این الگوی ساختاری، N_3 نشانگر «اسم در حالت سوم»، Cop نشانگر «فعل ربط» و Inf نشانگر «مصدر فعل» اند:

Ему не сдать экзамены. او نمی‌تواند امتحانات را با موفقیت پشت سر بگذارد.

الگوی ساختاری V_{p13} بیانگر این است که «عمل بیان شده توسط جمله، از نهاد مشخصی سر زده است و در نتیجه، نهاد جمله نامعین باقی می‌ماند». V_{p13} در این الگوی ساختاری، نشانگر «شکل صیغه سوم شخص جمع فعل» است:

О нём пишут в газетах. در روزنامه‌ها در باره او می‌نویسند.

همان گونه که در مثال‌های فوق مشاهده می‌شود، الگوهای ساختاری از اجزای متعددی تشکیل می‌شوند. به عنوان مثال، الگوی ساختاری جمله $Ребёнок\ веселится$ از اجزای N_1 و V_f تشکیل شده است. این موضوع که الگوهای ساختاری متفاوت باید در برگیرنده چه تعداد اجزای تشکیل دهنده باشند، تا بتوانند به لحاظ معنا، بیانگر یک جمله کامل باشند، از نکات مهم در زبان شناسی روسی به شمار می‌آید. الگوی ساختاری که در برگیرنده حداقل اجزای تشکیل دهنده لازم به منظور شکل‌گیری یک جمله کامل است، «الگوی ساختاری کمینه» (минимальная структурная схема) نامیده می‌شود. بنابراین، به عنوان مثال، الگوی ساختاری $N_3+Cop+Inf$ مربوط به جمله $Ему\ не\ сдать\ экзамены$ (او) نمی‌تواند امتحانات را با موفقیت پشت سر بگذارد. الگوی ساختاری کمینه به شمار می‌آید. در این الگوی ساختاری، جزیی که نشانگر کلمه $экзамены$ (امتحانات) باشد، وجود ندارد؛ زیرا عدم حضور آن در الگوی ساختاری، لطمه‌ای به ساختار معنایی کل جمله وارد نمی‌سازد. اما در صورت حذف هر یک از اجزای دیگر، جمله معنای خود را از دست می‌دهد.

زبان‌شناسان روس در باره ماهیت و تعداد الگوهای ساختاری جملات روسی،

نقطه نظرات متفاوتی دارند (زبان ادبی روسی معاصر، ۲۰۰۳، ص ۶۰۱). یکی از کامل‌ترین فهرست‌های ارائه شده در باره الگوهای ساختاری جملات روسی، نتیجه پژوهش‌های زبان‌شناس روس بلاشاپکوکوا است. وی فهرستی متشکل از ۱۷ الگوی ساختاری کمینه را در زمینه جملات ساده روسی به شرح زیر ارائه می‌دهد (بلاشاپکوکوا، ۱۹۸۹، ص ۶۳۸):

1. $N_1 + V_f$ (اسم در حالت اول + شکل صرفی فعل):

Грачи прилетели

کلاغ‌ها (پروازکنان) رسیدند.

2. $N_1 + \text{Cop}_f + \text{Adj}_{f/1/5}$

(اسم در حالت اول + شکل صرفی فعل ربط + شکل حالت اول یا پنجم صفات یا صفات

فعلی مجهول و همچنین شکل کوتاه و تفضیلی آنها):

Ночь была тиха (тихая, тихой).

شب آرام بود.

3. $N_1 + \text{Cop}_f + N_{1/5}$ (اسم در حالت اول + شکل صرفی فعل ربط + اسم در حالت اول یا چهارم):

Он был студент (студентом).

او دانشجو بود.

4. $N_1 + \text{Cop}_f + N_{2...pr} / \text{Adv}_{pr}$

(اسم در حالت اول + شکل صرفی فعل ربط + اسم با حرف اضافه، یا بدون حرف اضافه در

یکی از حالت‌های فرعی که قادر است در ترکیب با فعل ربط به کار رود یا قیدی که قادر

است در ترکیب با فعل ربط به کار رود):

a) Этот дом был без лифта.

این ساختمان بدون آسانسور بود.

б) Все были начеку.

همه گوش به زنگ بودند.

5. $\text{Inf} + V_f$ (مصدر فعل + شکل صرفی فعل):

Курить воспрещалось.

سیگار کشیدن ممنوع بود.

6. $\text{Inf} + \text{Cop}_f + \text{Adj}_{f/1/5}$

(مصدر فعل + شکل صرفی فعل ربط + شکل حالت اول یا پنجم صفات یا صفات فعلی

مجهول و همچنین شکل کوتاه و تفضیلی آن‌ها):

Промолчать было разумно (разумнее, самое разумное, самым

разумным).

سکوت اختیار کردن عاقلانه (عاقلانه‌تر، عاقلانه‌ترین کار) بود.

7. Inf+Cop_F+N_{1/5} (مصدر فعل+شکل صرفی فعل ربط+اسم در حالت اول یا پنجم):

Дозвониться – проблема (было проблемой).

تماس تلفنی گرفتن مشکل است (مشکل بود).

8. Inf+Cop_F+N_{2...pr}/Adv_{pr}

(مصدر فعل+شکل صرفی فعل ربط+اسم با حرف اضافه یا بدون حرف اضافه در یکی از

حالات های فرعی که قادر است در ترکیب با فعل ربط به کار رود، یا قیدی که قادر است در

ترکیب با فعل ربط به کار رود):

а) Купить машину нам не по средствам.

خریدن ماشین با پولی که ما داریم، امکان‌پذیر نیست.

б) Молчать некстати.

سکوت جایز نیست.

9. Inf+Cop_F+Inf (مصدر فعل+شکل صرفی فعل ربط+مصدر فعل):

Быть актёром – прежде всего быть талантливым человеком.

برای هنرپیشه بودن قبل از هر چیز باید فرد با استعدادی بود.

10. V_{s3/n} (صیغه سوم شخص مفرد یا ختثای فعل):

а) Смеркается.

دارد تاریک می‌شود.

б) Крышу охватило пламенем.

آتش بام (شیروانی) را فرا گرفته بود.

11. V_{pl3} (صیغه سوم شخص جمع فعل):

Его обидели.

او را رنجاندند.

12. Cop_{s3/n}+Adj_{fsn}

(صیغه سوم شخص مفرد یا ختثای فعل ربط+شکل کوتاه مفرد ختثای صفات و صفات فعلی):

БЫЛО ТЕМНО.

تاریک بود.

13. Cop_{s3/n}+N_{2...pr}/Adv_{pr}

(صیغه سوم شخص مفرد یا ختثای فعل ربط+اسم با حرف اضافه یا بدون حرف اضافه در

یکی از حالت‌های فرعی که قادر است در ترکیب با فعل ربط به کار رود یا قیدی که قادر است در ترکیب با فعل ربط به کار رود):

а) Было за полночь.

از نیمه شب گذشته بود.

б) Пусть будет по-твоему. (به میل تو) باشد. بگذار آنطور که تو می‌خواهی

14. $\text{CoppIz} + \text{Adj}_{prI}$

(صیغه سوم شخص جمع فعل ربط + شکل کوتاه جمع صفات و صفات فعلی):

Ему были рады.

از او (از عملکرد او) خوشحال بودند.

15. $\text{CoppI} + \text{N}_{2...pr} / \text{Adv}_{pr}$

(شکل گذشته جمع فعل ربط + اسم با حرف اضافه یا بدون حرف اضافه در یکی از حالت‌های فرعی که قادر است در ترکیب با فعل ربط به کار رود یا قیدی که قادر است در ترکیب با فعل ربط به کار رود):

а) От него были в восторге.

به خاطر او (از عملکرد او) در شور و شغف به سر می‌بردند.

б) С ним были запросто.

با او راحت بودند.

16. $\text{CoppI} + \text{N}_1$ (شکل صرفی فعل ربط + اسم در حالت اول):

Была зима.

زمستان بود.

17. Inf (مصدر فعل):

Быть по-вашему.

نظر، نظر شماست.

بررسی معنای جمله بر پایه توصیف مؤلفه‌های معنایی تشکیل‌دهنده جمله در زبان‌شناسی روسی، دیدگاه‌های نظری متعددی وجود دارد که هر کدام به شکلی، مفهوم و معنای جمله را، بدون در نظر گرفتن ساختار صوری آن‌ها مورد بررسی و توصیف قرار می‌دهد. هر یک از این دیدگاه‌های نظری در مطالعات و بررسی‌های خود، مفاهیم و اصطلاحات علمی متفاوتی را مطرح می‌سازند. در این قسمت، ما معنای جمله را بر پایه آن

دیدگاه نظری بررسی می‌کنیم که بر اساس آن، توصیف معنای جمله بر پایهٔ توصیف مؤلفه‌های معنایی تشکیل‌دهندهٔ جمله، صورت می‌پذیرد.

جملات به لحاظ معنا، دربرگیرندهٔ یک سری مؤلفه‌های معنایی‌اند. مهمترین مؤلفه‌های معنایی که در ساختار جملات از یکدیگر متمایز می‌شوند، عبارتند از «مؤلفه‌های معنایی عینی یا بیرونی» (объективные значения) و «مؤلفه‌های معنایی ذهنی یا درونی» (субъективные значения). این مؤلفه‌های معنایی اجزای الزامی تشکیل‌دهندهٔ ساختار معنایی جملات به شمار می‌آیند.

مؤلفه‌های معنایی عینی، منعکس‌کنندهٔ واقعیات جهان بیرون و مؤلفه‌های معنایی ذهنی، منعکس‌کنندهٔ احساس و ارتباط گوینده نسبت به واقعیات جهان بیرون (از قبیل، بیان آرزو، درخواست، علاقه، تردید، ترس و غیره) است. این گونه تقسیم‌بندی در بارهٔ مؤلفه‌های معنایی جمله را، می‌توان در آثار دانشمندان غربی نیز مشاهده کرد. بالی دانشمند سویسی از مؤلفه‌های معنایی عینی و ذهنی، به ترتیب با عناوین «دیکتوم» و «مودوس» نام می‌برد (بالی، ۱۹۵۵، ص ۴۳). فیلمور با مطرح ساختن نوع دیگری از اصطلاحات و مفاهیم در خصوص مؤلفه‌های معنایی عینی و ذهنی جمله، اجزای تشکیل‌دهندهٔ گفتار را به «قضیه» (пропозиция) و «سازه‌های وجهی» (модальные составляющие) تقسیم‌بندی می‌کند (فیلمور، ۱۹۸۱، ص ۴۰۳). در تفکرات زبانشناسی سپیر نیز می‌توان جنبه‌های معنایی مرتبط با مؤلفه‌های معنایی جمله، به ویژه مؤلفه‌های معنایی ذهنی، را مشاهده نمود (سپیر، ۱۹۹۳، ص ۵۴).

مؤلفه‌های معنایی عینی در جملات، می‌توانند بیانگر انواع مختلفی از معانی عینی باشند. گروهی از مؤلفه‌های معنایی عینی، بیان‌کنندهٔ نوعی حادثه یا واقعه‌اند که مرتبط با جهان بیرون از شخص گوینده‌اند. مانند، Идёт дождь. (باران می‌آید.)، Вот машина. (اینهاش ماشین.)، گروهی از مؤلفه‌های معنایی عینی بیان‌کنندهٔ رخدادی‌اند که مرتبط با شخص گوینده‌اند، مانند، Меня толкнули. (من را هل دادند.)، Я иду домой. (من به منزل می‌روم.)، برخی دیگر از مؤلفه‌های معنایی عینی، می‌توانند منعکس‌کنندهٔ عملیات ذهنی شخص گوینده باشند. مانند، Здесь хорошо. (اینجا خوب است.)، عملیات ذهنی گوینده می‌تواند دربرگیرندهٔ مواردی از قبیل فوق باشد: نامیدن کسی یا چیزی. مثل، Мальчика зовут

Саша. (پسر را ساشا می‌نامند). نسبت دادن نوعی تخصص به کسی یا چیزی. مثل، Отец – учитель. (پدر معلم است.). نسبت دادن نشانه و ویژگی‌ای به کسی یا چیزی. مثل، Вы взволнованы. (شما مضطرب هستید).

در ارتباط با مؤلفه‌های معنایی ذهنی نیز، می‌توان انواعی را مشخص کرد. برخی از مؤلفه‌های معنایی ذهنی می‌توانند بیانگر احساس و رابطه‌ی شخص گوینده، نسبت به واقعیات جهان بیرون باشند. مثال:

Я сыграл бы теперь что-нибудь (ای کاش) که من

الان یک بازی‌ای می‌کردم.

گروهی دیگر از مؤلفه‌های معنایی ذهنی می‌توانند بیانگر احساس و رابطه‌ی هر شخص دیگری نسبت به واقعیات جهان بیرون باشند. مثال:

Иван Иванович хочет приехать. ایوان ایوانوویچ می‌خواهد بیاید.

زبان‌شناسان روسی به هنگام بررسی مؤلفه‌های معنایی عینی و در ارتباط با معنای صریح (денотат) جمله و گفتار، اصطلاح «قضیه» را مطرح می‌سازند. آروتیونووا با به کار بردن اصطلاح «قضیه» در ارتباط با معنای صریح جمله، برای «جمله» همانند «واژه» معنای صریح در نظر می‌گیرد. با این تفاوت که به عقیده‌ی وی، معنای صریح واژه «شیء» (предмет) (در معنای وسیع کلمه) اما معنای صریح جمله «حادثه یا واقعه» است (آروتیونووا، ۱۹۷۲ ص ۳۰۹).

در نحو معنایی روسی، «قضیه» به عنوان یکی از راهکارهای اصلی و الزامی در بررسی مؤلفه‌های معنایی عینی و معنای صریح جمله به شمار می‌آید. بر اساس این دیدگاه، «قضیه» به عنوان معنای جمله که منعکس‌کننده‌ی یک حادثه یا واقعه‌ی جهان بیرون است، معرفی می‌شود. به عنوان مثال، اگر سه جمله‌ی زیر را که در سطح گفتار دارای ساختار و معنای زبانی متفاوت اند، با یکدیگر مقایسه کنیم، مشاهده می‌شود که هر سه جمله، در واقع، بیانگر و منعکس‌کننده‌ی یک واقعه یا حادثه‌ی یکسان در ارتباط با جهان بیرونند (یعنی «انجام عمل روزنامه خواندن توسط کسی»):

а) Отец читает газету.

پدر روزنامه می‌خواند.

б) Отец не читал газеты.

پدر روزنامه نخوانده است.

в) Отец, ты читал газету?

پدر، تو روزنامه خوانده‌ای؟

«قضیه» از سه جزء اصلی تشکیل می‌شود: ۱. محمول (предикат) ۲. موضوع (актант) ۳. تعریف‌کننده (сирконстант). «محمول» هسته «قضیه» به شمار می‌آید و به عنوان گزاره، بیانگر یک حادثه یا واقعه است. معمولاً افعال در ساختار جملات «محمول» واقع می‌شوند.

«موضوع» و «تعریف‌کننده» آن اجزای اصلی «قضیه» اند که نوع و تعداد آن‌ها توسط «محمول» مشخص شده و در ساختار «قضیه» به وسیله «محمول» به یکدیگر مرتبط می‌شوند. معمولاً صفات و دیگر انواع کلمات که در علم نحو، اجزای فرعی جمله نامیده می‌شوند، در ساختار جملات تعریف‌کننده «قضیه» واقع می‌شوند. مثال زیر را بررسی می‌کنیم:

Вчера я прочитал в библиотеке книгу.

دیروز من در کتابخانه کتاب خواندم.

در این مثال، прочитал (خواندم) به عنوان «محمول»، Я (من) و книгу (کتاب را) به عنوان «موضوع»، вчера (دیروز) و в библиотеке (در کتابخانه) به عنوان «تعیین‌کننده» مشخص می‌شوند.

همانگونه که گفته شد، تعداد موضوع‌هایی که در ساختار «قضیه» به کار می‌روند، توسط «محمول» تعیین می‌شود. یک «محمول» می‌تواند در ساختار «قضیه» از صفر تا چهار «موضوع» را در ترکیب با خود بپذیرد. یکی از مواردی که مبنای تقسیم‌بندی «قضایا» به انواع مختلف در نظر گرفته می‌شود، تعداد «موضوع‌هایی» است که در ساختار «قضیه» در ترکیب با «محمول» به کار می‌روند.

«محمول‌ها» بر اساس تعداد «موضوع‌هایی» که در ترکیب با خود می‌پذیرند، می‌توانند «بدون جایگاه» (нульместный)، «یک‌جایگاهی» (одноместный)، «دوجایگاهی» (двухместный)، «سه‌جایگاهی» (трёхместный) یا «چهارجایگاهی» (четырёхместный) باشند (بلاشاپکوا، ۱۹۸۹، ص ۶۸۷). به مثال‌های زیر در این خصوص توجه نمائید:

۱. قضیه با محمول بدون جایگاه:

Холодает.

محمول

دارد سرد می شود.

محمول

۲. قضیه با محمول یک جایگاهی:

Река замерзла.

محمول موضوع

رودخانه یخ بست.

موضوع محمول

۳. قضیه با محمول دو جایگاهی:

Профессор руководит аспирантами.

موضوع

محمول

موضوع

پروفسور دانشجویان دکتری را راهنمایی می کند

محمول

موضوع

موضوع

۴. قضیه با محمول سه جایگاهی:

Он дарил другу рюгзак.

موضوع محمول موضوع

او به دوستش کیف هدیه کرد.

موضوع موضوع محمول

۵. قضیه با محمول چهار جایگاهی:

Они перенесли сундук из дома в сарай.

موضوع محمول موضوع موضوع

آن ها صندوق را از خانه به انبار منتقل کردند.

موضوع موضوع موضوع محمول

نتیجه گیری

در زبان شناسی معاصر روسی می توان دو روش عمده را در ارتباط با بررسی معنا و

مفهوم جمله از یکدیگر متمایز کرد: ۱. روش صوری-معنایی ۲. روش معنایی محض. در روش صوری-معنایی، زبان شناسان به هنگام بررسی معنا اهمیت فراوانی به صورت می‌دهند و در نتیجه، ساختار معنایی جملات را با توجه به ساختار صوری آن‌ها توصیف می‌کنند. بر اساس روش معنایی محض، مؤلفه‌های معنایی جمله مورد توجه خاص قرار گرفته و صورت جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص نمی‌دهد. در درون هر یک از دو روش فوق، دیدگاه‌های نظری متفاوتی از سوی زبان شناسان مختلف روس مطرح می‌شود. بررسی معنای جمله بر پایه «الگوی ساختاری جمله» و همچنین بر پایه توصیف «مؤلفه‌های معنایی تشکیل دهنده جمله» مربوط به مهمترین دیدگاه‌هایی است که در ارتباط با روش «صوری-معنایی» و روش «معنایی محض» در زبان شناسی معاصر روسی مطرح‌اند.

در یک بررسی مقایسه‌ای میان دو دیدگاه فوق، مشخص می‌شود که جملات با الگوهای ساختاری متفاوت می‌توانند بیانگر یک نوع «قضیه» با «محمول‌های» یکسان باشند. جملات زیر را مقایسه می‌کنیم:

1. $N_1 + V_f$ (اسم در حالت اول + شکل صرفی فعل):

Здесь он работает.

او اینجا کار می‌کند.

2. V_{pl3} (صیغه سوم شخص جمع فعل):

Здесь работают.

اینجا کار می‌کنند.

3. $Cor_f + N_1$ (شکل صرفی فعل ربط + اسم در حالت اول):

Здесь у него работа.

او اینجا کار دارد.

سه جمله فوق از لحاظ الگوی ساختاری متفاوت، اما از نظر نوع «محمول» (یعنی «کار کردن») یکسان‌اند.

منابع

- 1- Арутюнова, Н.Д., Предложение и его смысл: *логико-семантические проблемы*, Москва, 1976.
- 2- Балли, Ш., *Общая лингвистика и вопросы французского языка*, Москва, 1955.

- 3- Белошапкова, В.А., *Современный русский литературный язык*. Москва, 1989.
- 4- Костомарова, Л.Г., *Общее языкознание: Внутренняя структура языка*. Москва, 1972.
- 5- Сепир, Э., *Избранные труды по языкознанию и культурологии*, Москва, 1993.
- 6- Максимова, В.И., *Современный русский литературный язык/под ред*, Москва, 2003.
- 7- Филмор, Ч., *Дело о падеже Новое в зарубежной лингвистике*, X, Москва, 1981.
- 8- Шведова, Н.Ю., *О соотношении грамматической и семантической структуры предложения//славянское языкознаниею*, Москва, 1973.

